

بر اندازی رسم ضعیف کشتی



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

برکناری علی انتظاری از ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه پس از حضور در برنامه «شیوه»، در عین حال که شادمانی هافرید و بسیاری حتی آن‌را نشانه تغییر نظام‌مند و پیکره‌ها به خصوص پس از انتخابات پزشکیان دانستند، موجب ناراحتی «کیهان» شد و این روزنامه چنین امری را آن هم «به علت یک عبارت ناخواسته و سهوی» و بدون توجه به «سوابق درخشان و خدمات فراوان» این استاد، «عجیب و تا حدی ناشی از یک رفتار دیکتاتورگونه و شاید انتقام از مواضع انقلابی ایشان» قلمداد کرد. من آقای انتظاری را اصلاً نمی‌شناسم و چون خود او نوشته که در بیان لفظ «نقله شدن» کم‌دقتی کرده، می‌پذیرم که عمدی در کار نبوده است. باین همه اینجا می‌خواهم به نکاتی مهتم‌تر اشاره کنم. نکته اول اینکه، طوق بیانیه روابط عمومی دانشگاه علامه، برکناری انتظاری، «در پی طرح مباحثی به‌دور از ادبیات ایرانی و اسلامی و استفاده از تعابیری نادرست» و به دستور رئیس دانشگاه بوده و می‌دانیم که رئیس فعلی این دانشگاه، در دولت قبلی بدین سمت منصوب شد و بعید است قصد انتقام‌گیری از «مواضع انقلابی» انتظاری را داشته باشد. برخی البته در این بین تحلیل‌هایی کردند با استفاده از «روغن ریخته» و «نذر امام‌زاده» که بد نیست در آنها هم تأمل کنیم. در جامعه ایران معمولاً ضعیف‌کشتی امری رایج است. عموماً روزمان به زیردستان می‌رسد. آن روی سکه ضعیف‌کشتی هم البته قوی‌نوازی است. نگاهی بیاندازید به رفتار رایج در خانواده، اداره، کارخانه، مدرسه و... افراد تا جایی که بشود طاقت بیابوند از بالادستی‌ها زور می‌شوند و چشم می‌گویند و بعد تا جایی که تیغ‌شان ببرد، به زیردستان‌شان زور می‌گویند و بله‌فرمان می‌طلبند. آذون‌سو به چنین شخصیت‌هایی می‌گفت: «شخصیت اقتدارگرا». چنین شخصیتی در کنار دو ویژگی تسلیم در برابر قدرت برتر و سلطه‌جویی بر زیردستان، ویژگی‌سومی نیز دارد که بسیار مهم است و آن احساس نابرابری با دیگران است. او خود را یا برتر از دیگران می‌داند یا فروتر. شخصیت‌دموکراتیک اما به دیگران خوش‌بین است. اعتمادبه‌نفس و احساس خودکفایی دارد و انگیزه قدرت‌طلبی در او اندک است. مرور صحبت‌های دکتر انتظاری و برخی نویسندگان «کیهان» نشان می‌دهد آنها نیز نشانه‌هایی از شخصیت اقتدارگرا را در سخنان‌شان بازتاب می‌دهند. منظوم البته فقط آن «نقله شدن» مشهور نیست. البته که آن ادبیات سنتی با رفتار دموکراتیک ندارد اما اگر فیلم صحبت‌های برنامه «شیوه»، را تماشا کنید، می‌بینید که آقای انتظاری بعد از استفاده از این لفظ، به‌راحتی از «تمدینشدن» قرارداد چند استاد - و البته نه «خراج» آنها - دفاع می‌کند، سپس می‌گوید بالاخره در این زدوخوردها، تعدادی نیز از طرف کشته شدند که این نیز «حداقل خشونت ممکن» بوده است. من اینجا کاری به کشته‌ها ندارم که «یکی داستانست بر آب چشم». اما برابرم سوال شد چرا فردی دانشگاهی اینقدر راحتر از بیکار کردن همکاران خود می‌گذرد؟ به این نمی‌اندیشد که وقتی قرارداد استادی، تمدید نمی‌شود، چه مصائبی بر زندگی او بار می‌شود؟ همین بی‌تفاوتی رادر ادبیات «کیهان» نیز می‌بینیم، وقتی معترض می‌شود که چرا رئیس‌جمهور از لزوم بازگشت اساتید و دانشجویان اخراجی به دانشگاه سخن می‌گوید. چنین حساسیتی را اما در «کیهان» در قبال مسئولان خطاکار هم‌حزبی نمی‌بینیم. با «همشهری» باشد که می‌گوید «بر خورد مؤمنانه»؛ یعنی انگار نه خانی آمد، نه خانی رفت. این ادامه همان رفتار اقتدارگرایانه نیست؟ شدت عمل با مردم بی‌پناه و رأفت اسلامی با مسئولان همسو. القصه بی‌تفاوت مصائب دیگران نیاشیم. بله به‌خاطر یک دستمال قیصریه‌را به آتش نمی‌کشند، اما خودکرده را تدبیر نیست. دکتر انتظاری زمانی که به‌سادگی از کنار مرارت دیگران می‌گذشت، شاید گمان نمی‌کرد که به‌خاطر «یک خطای سهوی»، از ریاست دانشکده برکنار شود. البته این پست‌ها با سنگین امانت است. فرونهادنش به امیدوارم اما این اتفاق تلنگری باشد به همه ما که کمی خودمان را جای دیگران بگذاریم و همانقدر که حواس‌مان هست که به بالادستی‌ها بد نگذرد، پایین‌دستی‌ها را هم دریابیم. رسم ضعیف‌کشتی را براندازیم و با همه بر خورد منصفانه داشته باشیم. به قول سعدی: «پادشاهی که یار درویشست / پاسبان ممالک خویشست».

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

آغاز سال‌نوی اهالی موسیقی

کوک شدن سازها در روشنایی سالن کنسرت‌ها پس از ۲ ماه دوری از صحنه



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

به‌ویژه پس از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ و غیبت اعتراضی و موسمی برخی از اهالی موسیقی بیشتر رخ نمود و دومین‌اش در شرایط نابسامان اقتصادی همیشگی بوده است. به‌گونه‌ای که تماشاگر کنسرت در هیچ دورانی، تفریح طبقه فرودست نبوده و امکان بهره‌مندی از آن همواره تنها برای قشری که به لحاظ اقتصادی از سطحی معین فراترند، وجود داشته است.

غلبه مدام موسیقی پاپ بر دیگر گونه‌ها

نگاهی گذرا به کنسرت‌هایی که در فاصله زمانی میانه شهریورماه تا میانه مهرماه ۱۴۰۳ در تهران برگزار خواهد شد، نشان می‌دهد که همچنان این اهالی موسیقی پاپ‌اند که پیش‌تازند و اگر موسیقی تلفیقی یا نواخی هم در این میان شنیده می‌شود، معدود است و انگشت‌شمار. نسبت نابرابر اجرای موسیقی پاپ در قیاس با دیگر گونه‌های موسیقی، البته نه موضوعی مربوط به امروز و دیروز که بحثی درازدام است؛ هرچند می‌توان مقطع پس از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ را نقطه اوج آن دانست. روزگاری که برخی از آن با عنوان «کوردزنی موسیقی ایرانی و سنتی با «صفر» سانس اجرا» یاد می‌کردند. شاهد ادعای این افراد پیش قدم شدن ستاره‌های موسیقی پاپ برای آغاز دوباره اجراهای زنده و در اختیار گرفتن بازار موسیقی بود. آن هم در شرایطی که برگزاری کنسرت، انتشار آلبوم و هرگونه فعالیت موسیقایی رسمی با چالش‌هایی مواجه شده بود. چرا که بسیاری بنا به دلایل اجتماعی تمایلی به از سرگیری فعالیت‌های رسمی خود نداشتند و در این میان چهره‌هایی که موسیقی تولیدی‌شان بعضاً به‌شدت مورد انتقاد بود، صحنه را به تصرف خود درآوردند. حضور پررنگ اهالی موسیقی پاپ روی صحنه در آن مقطع اما چیزی نبود که با گذشت زمان فروکش کند و هم‌چنان به قوت خود باقی است. هر چند یخ بازگشت اهالی دیگر گونه‌های موسیقی به صحنه نیز تا حدودی شکسته شده است.

با این حساب از جمله خوانندگان موسیقی پاپ که در طول یک ماه آینده؛ روزهایی که از سر می‌گذرانیم تا میانه مهرماه، روی صحنه می‌روند می‌توان به محسن یگانه، مسیح و آرش عدل‌پرور، علیرضا طلیسچی، ناصر زینلی، ماکان بند، محسن ابراهیم‌زاده، حامیم، امید حاجیلی، حمید میراد، بهنام‌بانی و... اشاره کرد. در این میان حضور اهالی دیگر گونه‌های موسیقی چنان معدود است که به‌عنوان مثال تنها می‌توان به حضور آمان گرشاسبی، خواننده موسیقی تلفیقی که فعالیت مستقل‌اش از گروه چارت‌را با انتشار آلبوم «از تو گفتم» آغاز کرد، اشاره نمود یا از اجرای گروه لیان به سرپرستی محسن شریفیان یا رستپان پیاپوی فریدون ناصحی نام برد. ضمن این که به‌رغم تمام انتقادات به اجرای زنان برای زنان در قالب کنسرت بانوان، گروه راستان به سرپرستی آزاده امیری و گروه نوشه به سرپرستی نیوشا بریمانی نیز روی صحنه خواهند رفت.

بلیتی که بهایش با جیب اکثریت نمی‌خواند

حرکت قیمت سقف بلیت کنسرت‌ها در آستانه مرز یک میلیون تومان، عاملی برای نگرانی بسیاری از فعالان فرهنگی و هنری برای حذف تمام و کمال قشری از جامعه از دایره بینندگان اجراهای زنده است. این افزایش اگرچه با توجهاتی چون بالا رفتن تعرفه‌های بخش خصوصی برای تأمین پروداکشن‌هایی چون نور، صدا، ال‌ای‌دی‌ها و دست‌مزد کادر فنی و البته گرانی اجاره‌بهای سالن‌ها همراه است، اما همه این‌ها نیز موجب خاموشی صدای کسانی نمی‌شود که معتقدند اگر نهادهای فرهنگی فکر چاره‌ای نکنند و در قبال نرخ‌گذاری‌های سلیقه‌ای و طغیان قیمت اجراهای زنده موسیقی واکنش درستی نشان ندهند، درصد قابل‌توجهی از مردم از فهرست مخاطبان این اجراها خط خواهند خورد. آغاز مارتن ۱۰ ماهه اهالی موسیقی برای سپری کردن سال تازه موسیقایی‌شان حتی اگر با غلبه اهالی موسیقی پاپ و طغیان قیمت بلیت کنسرت‌ها همراه باشد باز هم اتفاقی است که به‌رغم فرارسیدن روزهای سرد پاییزی و زمستانی، آفتاب داغ تابستان را بر تن حوزه موسیقی در ایران می‌تاباند.



- صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریم‌ساجی
- مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • امید عرب (مدیر آنلاین)
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

چهره

رکور دسکنی که طلایی نشد

کاروان ایران می‌توانست هفتمین مدال طلای خود را در پارالمپیک پاریس جشن بگیرد که به‌دلایل غیرورزشی این مدال از ایران و بیت‌سیاح پس گرفته شد. مسئولان پاراومپدیاتی کشورمان پس از دیسکالیفه شدن صادق بیت‌سیاح، طلایی کاروان کشورمان، اعتراض خود را اعلام کردند که در نهایت نتیجه‌ای نداشت و از سوی مسئولان برگزاری مسابقات رد شد. بدین ترتیب طلای بیت‌سیاح پس گرفته شد و دست او از مدال کوتاه ماند. طبق اعلام سرپرست کاروان ورزش ایران در بازی‌های پارالمپیک پاریس، دلیل دیسکالیفه شدن بیت‌سیاح، گرفتن دو کارت زرد بود. کارت زرد اول به‌دلیل خوشحالی غیرورزشی و کارت زرد دوم به‌دلیل خوشحالی با پرچم غیررسمی به او داده شد. بیت‌سیاح گفته بود در مسابقات قبلی نیز این پرچم را بالای سر برده که مشکلی به‌وجود نیامده بود، اما این بار بخت با او یار نبود. شاید اگر خوشحالی اول را انجام نمی‌داد، الان فقط یک کارت زرد گرفته بود. مدیرکل ورزش و جوانان خوزستان گفت: باتوجه به درخشش صادق بیت‌سیاح در بازی‌های پارالمپیک، برای این ورزشکار پادشاه مدال طلا را در نظرمی‌گیریم.



کتابخانه

درباره معنای زندگی

کتاب «سفر فلسفی در جست‌وجوی معنای زندگی»، نوشته یووال لوری با ترجمه سعید عابدی در ۵۳۶ صفحه و با قیمت ۵۵۰ هزار تومان توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است. این کتاب در چهار بخش آرای چهار نویسنده و فیلسوف قرن نوزدهم و بیستم معنای زندگی را می‌کاود: تولستوی، ویتگنشتاین، سارتر و کامو. به گمان یووال لوری، مؤلف کتاب، هر یک از این چهار نویسنده جنبه‌ای از ابعاد مسئله معنای زندگی را روشن کرده‌اند. هرچند لوری صراحتاً به پرسش‌های رایج در بحث معنای زندگی اشاره نمی‌کند اما در گزارش او از آرای این چهار متفکر ردیابی برخی از پرسش‌های مهم در مسئله معنای زندگی



سفر فلسفی در جست‌وجوی معنای زندگی

نویسنده:

یووال لوری

مترجم:

سعید عابدی

انتشارات: ققنوس

از جمله آیامعنای زندگی اساساً کشف‌شدنی است یا آفریدنی؟ اگر کشف‌شدنی است، به چه روشی می‌توان آن را کشف کرد؟ اگر آفریدنی و جعل کردنی است، آیا برای ابداع معنای زندگی قیدبندی وجود دارد یا هر معنایی را می‌توان برای زندگی جعل کرد؟ نسبت معنای زندگی با اخلاق چیست؟ آیا معنای زندگی واحد است یا متعدد؟ آیا معنای زندگی همگان یکسان است یا معنای زندگی افراد می‌تواند متفاوت باشد؟ و... را می‌توان پی گرفت.

تاریخ

روز استقلال تاجیکستان



هر ساله نهم سپتامبر به‌عنوان روز ملی تاجیکستان در این کشور گرامی داشته می‌شود. در سال ۱۹۹۱ در چنین روزی و از پس فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشور پارسی‌زبان، استقلال پیدا

کرد. این کشور که می‌توان آن را یکی از بخش‌های اصلی ایران‌زمین دانست، تا پایان دوران سامانیان سراسر شمال رود جیحون را شامل می‌شد اما به‌مرور پس از هجوم ترکان، مغولان و... کوچک شد و در دوران حکومت کمونیستی شوروی نیز بخش‌هایی از آن به جمهوری‌های مجاور داده شدند. تاجیکستان شامل سه ایالت و چند منطقه دیگر است و ایالت سفغد (خجند) آن که پایگاه مهاجرت آریین‌ها به‌شمار می‌رود و کوروش در آنجا کشته شد تا مانع ورود اقوام مهاجم به ایران‌زمین شود، معروف‌تر از ایالات دیگر است. تاجیک‌ها با گذاردن نام اسماعیل سامانی (احیاکننده زبان فارسی و فرهنگ ایرانی) بر بلندترین قله آن کشور قدرشناسی خود را نسبت به او نشان داده‌اند. سران شوروی همواره از آن نگران بودند که تاجیک‌های آسیای میانه و افغانستان با ایران متحد شوند و امپراطوری پارس‌ها زنده شود.